

معماری عصر آهن باباجان تپه در غرب ایران

حمید رهبر



دانشگاه: تربیت مدرس

استاد راهنما: دکتر حسن طلائی

تاریخ: ۱۳۷۵

چکیده:

با شروع عصر آهن در شمالغرب و غرب ایران تغییرات و تحولات مهمی به وقوع پیوست که از آن جمله‌اند: تغییر در شیوه معماری، استفاده از آهن تولیدی، تشکیل دولتهای محلی و طبقات اجتماعی، افزایش ثروت و قدرت اقتصادی، تغییر در سنت سفالگری و تدفین. ما در این تحقیق به مطالعه و بررسی معماری این عصر پرداختیم.

با آغاز عصر آهن II (۸۰۰-۱۲۰۰ ق.م) معماری شمالغرب و سپس غرب در محوطه‌های حسنلو و باباجان تپه (واقع در لرستان) پیشرفت قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهند، گسترش پلانهای معماری، تالارها و ایوانهای ستوندار، اتاقهای مستطیل شکل جانبی تالار، پیش خوانها، راهپله‌های ماریچی، نیمکتهای خشتی بغل دیوار، بناهای دو طبقه، استفاده از پوششهای قوسی، شکل‌گیری معماری حکومتی، مذهبی و نظامی، گسترش تزئینات معماری از خصوصیات این دوره است.

مقدمه:

ستوندار، نیمکتهای خشتی بغل دیوار، طاقنماهای تزئینی، از مواردی هستند که می‌توان از آنها به عنوان عناصر نوظهور در معماری عصر آهن این مکان یاد نمود.

معماری عصر آهن در باباخان تپه فاکتوری نوظهوری را نشان داد که آنرا از دیگر مناطق ایران چه قبل از این تاریخ و چه بعد از آن متمایز می‌سازد. ظهور تالارهای

باباجان تپه

محوطه باستانی باباجان تپه در مرکز دشت دلفان در حدود ۱۰۰ مایلی شمالغرب خرم آباد لرستان در نیمه شرقی پیشکوه و بین کوه سفید و کوه گرین، نزدیک نور آباد، قرار گرفته است. باباجان ناحیه ایست حاصلخیز و پر آب که توسط رودهای علیای «سیمره» و «کشگان» آبیاری می شود و دشتهای وسیع و کشت کاری شده و مراتع مرتفع را در بر می گیرد.

«محوطه باستانی، باباجان از یک پشته مرکزی بزرگ و تپه های کوچکتر تشکیل می شود پشته مرکزی از نظر شکل بیضی است و در امتداد جنوب شرقی به جنوب غربی قرار دارد. وسعت سطح مرتفع آن ۶۰ متر در ۳۰ متر بوده و در حوالی دامنه حدود ۱۲۰ متر عرض دارد. ضلع شمالی و شمال غربی که در جهت باد قرار گرفته است به میزان ۱۵ متر با شیب تند به سوی یکی از چشمه ها ادامه دارد. ولی ضلع شرقی آن که در برابر وزش باد محفوظ است با شیبی ملایم به سوی خط الرأس پائین که آنرا «پشته شرقی» کوچکتر جدا می کند، پائین می آید. این پشته به صورت یک تیغه ۱۵۰ متری به یک پشته کوتاه، که اکنون به عنوان گورستان اهالی مورد استفاده قرار می گیرد، ختم می شود. پشته شرقی از نظر شکل تا حدودی مخروطی است و در قسمت پائین حدود ۸۵ متر عرض دارد و همچون پشته مرکزی در جهت وزش باد شیب تندی پیدا کرده است. این پشته از خط الرأس غربی فقط ۴/۵ متر بلندتر است ولی در سمت مشرق در قیاس با محوطه مجاور، این ارتفاع دو برابر می شود. تقریباً به فاصله ۱۳۰ متری جنوب آن یک چشمه دیگر قرار گرفته است»^۱. این محوطه در چهار فصل

در طی سالهای (۶۹-۱۹۶۶ م) به وسیه انستیتو باستان شناسی دانشگاه لندن به سرپرستی کلر. گوف (C.Goff) حفاری گردید که عمده نتایج آن در مجله ایران (Iran) به چاپ رسیده است.

بر اساس اطلاعات به دست آمده در حفاری تپه مرکزی و شرقی، آثار استقرار از دوره نوسنگی تا اواخر عصر آهن III به دست آمد که در ذیل نمودار گاهنگاری آن مشاهده می شود.^۲

در این گاهنگاری طبقه IV همزمان با گیان III و IV و گودین III آورده شده است. و آنرا به عصر مفرغ میانه منتسب می سازد در حالی که با توجه به تاریخ جدید این طبقه باید در عصر آهن I، ۱۲۰۰-۱۵۰۰ ق.م جا می گیرد. اکنون به مطالعه بناهای عصر آهن پشته مرکزی و شرقی می پردازیم:

طبقه فوقانی پشته مرکزی تماماً به یک دوره زمانی در ربع اول هزاره نخست پیش از میلاد تعلق دارد و شامل سه لایه است.

لایه ۳: نخستین بخش از این بقایا تاکنون فقط از طریق عمق یابی های جزئی شناخته شده است. به نظر می رسد که این طبقه از خانه های سنگی تشکیل می شده است و به وسیله دیواری احاطه شده بود که آنرا همانند دیگر

۱- گلرگاف مید، «لرستان در نیمه نخست هزاره اول ق.م» ترجمه فرخنده اعتصام، مجله بررسیهای تاریخی شماره ۴ سال دوازدهم صص ۲۲-۲۱.

2- C.Goff. «excavations at Babajan, 1968: Third Preliminary Report». Iran. PP. 140.

دیوارهای ادوار باستانی به صورت قسمتهای عقب رفته ساخته بودند.

لایه ۲: در سطح دوم به اولین خانه‌های بزرگ و مستحکم که جالبترین ویژگی این محل محسوب می‌شود، برمی‌خوریم. چیزی جز یک لایه منفرد از لایه‌های سنگی باقی نمانده که در بسیاری موارد این پایه‌ها در پایه ساختمانهای بزرگ لایه I ادغام شده و لذا تشخیص حدود دیوار اصلی جز با حدس زدن ممکن نخواهد بود. ساختمان این دیوار از قلوه سنگها در سطح خارجی با سنگهای بزرگ که یک طرف آنها تقریباً صاف است، تشکیل شده. دیوارهای فوقانی این بنا که احتمالاً از خشت بوده از بین رفته است. نقشه بنا ساده و از یک اتاق بزرگ به ابعاد ۴/۳۰ متر در ۱۷/۵ متر تشکیل شده که به یک حیاط مستطیل شکل به عرض ۹/۶۰ متر متصل است.

در بخش شمالی حیاط احتمالاً چند اتاق وجود دارد که هنوز حفاری نشده است. در گنج‌ها و اطراف دیوار خارجی اتاقهای مستطیل و یا L شکلی قرار دارد که از قرار معلوم در سمت بالا به صورت برج ادامه می‌یافته است. بجز سنگ فرش کف دو اتاق در اطراف حیاط، عملاً از خصوصیات داخلی بنا چیزی باقی نمانده است. بقایای کف پوش (سنگفرش) خوب نیز در حیاط موجود بود. در اینجا کف پوش از یک لایه رس خاکستری مایل به سبز با سنگهای پهن که با عدم مهارت بر روی آن نصب شده است، تشکیل گردیده بود.

لایه I بنای موجود در لایه پائینی را می‌توان تجدید بنای لایه دوم، منتها در مقیاس بزرگتر و با نقشه‌های پیچیده‌تر، دانست. در این قسمت، بخش اصلی حیاط و اتاق پذیرائی باقی‌مانده است. در این نواحی دیوارهای لایه دوم در

دیوارهای لایه زیرین ادغام شده است ولی حیاط مرکزی به یک سرسرای ستوندار مبدل گردیده و به جای برجهای گوشه حیاط، اتاقهای پذیرائی بزرگ دیگری ساخته شده است این اتاقها در غرب بنا امتداد یافته و اضلاع یک شاه‌نشین کم عمق را به وجود آورده است. این لایه درست در زیر سطح تپه قرار گرفته و فقط شالوده بناهایی از آن برجای مانده است. تنها در منتهی‌الیه جنوبی حیاط می‌توان کف را مشخص ساخت. در این بخش یک ردیف سنگ فرش در سطحی بالاتر از خود پایه‌های موجود، دیده می‌شود و همه آثار دیوارهای فوقانی از بین رفته‌اند ولی از چگونگی طرح ساختمان و فقدان قلوه سنگ می‌توان پی برد که بخش فوقانی از خشت ساخته شده بود. پایه‌ها بسیار پهن بوده و غالباً در ۳ ردیف قرار دارد. گاهی برای جابه‌جا کردن یک سنگ به نیروی سه کارگر احتیاج است.

از سمت شرق این مجموعه از طریق یک مدخل باریکی با آستانه سنگی بر سرسرای مرکزی وارد می‌شده‌اند. مدخل اتاق درازی که در آن سوی سرسرا قرار داشته احتمالاً در نقطه مقابل و در بین دو پیش‌آمدگی یا به عبارت دیگر پشت بند تزئینی واقع بوده است. جای آستانه اصلی در محل یک درگاهی بوده است. این درگاهی بر روی یک ستون سنگی و اندکی بالاتر از بقیه پایه‌ها قرار داشته است و سقف با یک یا دو ردیف ستون نگهداری می‌شده است. جای ستونها به وسیله سه سوراخ در محل ردیف ستون نگهداری می‌شده است. جای ستونها به وسیله سه سوراخ در محل ردیف اصلی مشخص شده است. این گودیها با محور طولی سرسرا موازی و تا حدودی در مشرق بخش مرکزی آن قرار داد. ظاهراً یک ستون چوبی دیگر هم وجود داشته که بر روی یک کپه از سنگها متکی بوده است. محل

طبقات	لایه‌ها	تپه شرقی			تپه مرکزی	قبور	سفال	تاریخ
I (A)	ia	دیوارهای سنگی					سفال نخودی چرخ‌ساز	اواخر عصر آهن
	b	؟ شکاف				نداشته	به اضافه فرمز بعالدار	III
II	(iia)(iii)	کف‌های بلندتر	خانه سنگی				نوع پست‌تر «L-6»	اوائل عصر آهن
	b(IV)	باضافه بازسازی	اصطبل			؟	نوشی‌جان	III
	C(Va)		کارگاه					
III B	iiia			1	عمارت		سفال نوع لرستان	اواخر عصر آهن
	iiib	دژ	اطاق منقوش	2	عمارت	داشته	(Genre Luristan)	II
	(vb)			3	روستای سنگی			
			؟	4a	شکاف		درهم	عصر آهن I
IV		TR.C.GRIII		4bc	آشپزخانه	نداشته	گیان III-IV گودین	عصر مفرغ
				5a-d	روستای سنگی			میانه
				6a	شکاف		درهم	
V				6b	تنها کف	؟	Buff STRAW	پیش از تاریخ
				7 ab	تنها کف		TEMPER CLUB RIMS	(قبل از ادیات)
					حفاری نشده			نوسنگی + کالکولیت

نمودار طبقات استقراری باباجان تپه^۱

1 - C. Goff. «Excavations at Babajan, 1968: Third Preliminary Report». Iran vol (),

کارهای خانگی روزانه در این محل انجام می‌شده و هر چند وقت یک بار این محل را تمیز کرده و می‌شسته‌اند.

ABSTRACT

In the begining of Iran Age, some important changes occured in west and the Northwest of Iran. the following reseasch dealt with studying and investigating the arschitecture of thies ara.

Cousideing the available data the Iron Age is itself divided into three sub pesiods, namuly Iron Age I up to Iron Age III. In Iron Age I (1500-1200 B.C.) techniques in aschitecture developed further.

Iron Age II (1200-800 B.C): Spread of architectural plans,halls, columned porches, side rectangular rooms, lounthers, spiral stairs, and the spread of descorations, etc a reamong the characteristics of this period.

Iron Age III (800-550 B.C.) coincides with the establishment of medes government and empire. The Arschitecture of previous eras is practiced, and grand governemantal and religious construction are built

اولین ردیف ستونها که نظم کمتری داشت به وسیله سوراخ دیرک در لبه سنگفرشی و دو سنگ پهن نشان داده شده‌اند. این ستونهای چهارگوش و دیرکهای ۲ و ۳ کاملاً در یک ردیف قرار داشته و سنگهای ۶ و ۹ نیز در کنار دیوار شرقی و در مقابل دیرکهای ۱ و ۴ واقع است. و دیرک ۵ قرینه‌ای ندارد و از این نظر با دیرکهای دیگر متفاوت است. ظاهراً دیرک ۱۰ در گوشه شمالشرق بخش از یک ساختمان ثانوی بوده است این مصالح انتهای شمالی سرسرا را به دو بخش که از بقیه نواحی مسکونی جدا بوده تقسیم می‌کرده است. در اتاقهای نشیمن امروزی در لرستان ردیفهای دیرک به طور طولی به وسیله تیرهای سنگین به هم متصل شده و سقف بر روی چوبها و دستکهای کوچکتری که به طور متقاطع بین تیرها قرار می‌گیرد نهاده می‌شود. باید توجه داشت که این گونه سقف نمی‌توانست ارتفاع یا وزن فوق‌العاده‌ای داشته باشد، این نکته را هم از اندازه دیرکها و هم از ماهیت ناجور ترتیب آنها می‌توان استنباط کرد. برای استحکام دیرکها در اطراف پایه آنها سنگهای پهن گذارده‌اند و سنگها را کاملاً کوبیده و در جای خود استوار ساخته‌اند. در سوراخ دیرک شماره ۱ بقایای چوبی به قطر ۱۸ سانتی متر یافت شده است.

ناحیه مفروش منتهی‌الیه جنوبی سرسرا توسط یک راه آب سنگی به بخش خارجی ساختمان مرتبط بوده ظاهراً

کتابنامه

- ۱- گلرگاف مید «لرستان در نیمه نخست هزاره اول ق.م» ترجمه فرخنده اعتصام، مجله بررسیهای تاریخی شماره ۴ سال دوازدهم صص ۲۱-۲۲.

1- C.Goff.«excavations at Babajan, 1968: Third Pretiminary Report». Iran. PP. 140).

2- C.Goff.«excavations at Babajan, 1968: Third Pretiminary Report». Iran vol .